

مهربان ترین خورشید

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم):
به زودی پاره ای از تن من در خراسان
به خاک سپرده می شود که هیچ
دردمند و گرفتاری او را زیارت نمی
کند مگر اینکه خداوند گرفتارش را
بر طرف می نماید و هیچ گناهکاری
او را زیارت نمی کند مگر اینکه خداوند
گناهانش را می بخشد.



- ۸- خواری در راه خدایش از عزت با دشمنانش محبوب تر باشد.
 - ۹- گمنامی را از پر نامی خواهان تر باشد.
 - ۱۰- احدی را ننگرد جز این که بگوید او از من بهتر و پرهیزگارتر است.
- * مبادا اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد (صلوات الله علیه و اله) رها کنید، مبادا دوستی آل محمد (صلوات الله علیه و اله) را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید، زیرا هیچ کدام از این دو، به تنهایی پذیرفته نمی شود
- (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸)
- * به درستی که خداوند عقل را خلق کرد پس به او گفت: پیش بیا پس پیش آمد، پس گفت: برو! پس رفت
- خداوند فرمود سوگند به عزت وجلال! آفریده ای نیکوتر از تو خلق نکردم که پیش من از تو دوست داشتنی تر باشد، به سبب توست که می گیرم و با توست که عطا می کنم.

خورشید در خاک

در نحوه به شهادت رسیدن امام نقل شده است که مأمون به یکی از خدمتکاران خویش دستور داده بود تا ناخن های دستش را بلند نگه دارد و بعد به او دستور داد تا دست خود را به زهر مخصوصی آلوده کند و در بین ناخن هایش زهر قرار دهد و اناری را با دستان زهر آلودش دانه کند و او دستور مأمون را اجابت کرد. مأمون نیز انار زهر آلوده را خدمت حضرت گذارد و اصرار کرد که امام از آن انار تناول کنند. اما حضرت از خوردن امتناع فرمودند و مأمون اصرار کرد تا جایی که حضرت را تهدید به مرگ نمود و حضرت به جبر، قدری از آن انار مسموم تناول فرمودند. بعد از گذشت چند ساعت زهر اثر کرد و حال حضرت دگرگون گردید و صبح روز بعد در سحرگاه روز ۲۹ صفر سال ۲۰۳ هجری قمری امام رضا (علیه السلام) به شهادت رسیدند.

دینی را ادعا می کنند که جز خودشان کسی به راستی آن شهادت نمی دهد چیست؟

فرمود: ادعای این گروه باطل است.

پس ابوقره گفت: اگر این طور است پس ما مسیحیان بر حقیق چرا که ادعا داریم که عیسی روح الله و کلمه ی خداست و مسلمانان و یهودیان هم قبول دارند ولی شما مسلمانان ادعا دارید که محمد پیامبر خداست در حالی که ما و یهود ادعای شما را تأیید نمی کنیم

حضرت رضا (علیه السلام) با شنیدن این سخن فرمود به من بگو اسمت چیست؟ عرض کرد: یوحنا. امام فرود ای یوحنا خوب گوش کن و ببین چه می گوئیم ما به روح الله و عیسایی اعتقاد داریم که پیامبر خاتم یعنی محمد را قبول دارد و به ظهور او بشارت داده باشد پس اگر آن عیسایی که نزد توست و به آن اعتقاد داری آن عیسایی نیست که به حضرت محمد ایمان آورده و ظهورش را بشارت داده، ما از چنین عیسایی بیزاریم صنوان بن یحیی گوید با شنیدن این استدلال امام جاثلیق رو به من کرد و گفت برخیز که برویم دیگر جای هیچ کلامی برای ما در این مجلس باقی نمانده.

منبع: اخبار عیون الرضا ج ۲ ص ۴۷۶

در محضر نور

امام رضا (علیه السلام)

* عقل شخص مسلمان تمام نیست، مگر این که ده خصلت را دارا باشد:

- ۱- از او امید خیر باشد.
- ۲- از بدی او در امان باشند.
- ۳- خیر اندک دیگری را بسیار شمارد.
- ۴- خیر بسیار خود را اندک شمارد.
- ۵- هر چه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود.
- ۶- در عمر خود از دانش طلبی خسته نشود.
- ۷- فقر در راه خدایش از توانگری محبوب تر باشد.

چشمه ی همیشه جاری

در سخنان پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) درباره تشویق به وقف، جملات فراوانی به چشم می خورد. این بزرگواران - که خود بهترین معلّمان بشر بوده اند - در موارد زیادی به این عمل نیکو دست زده اند. از آن جمله، در «قبا» (نزدیک مدینه) نخلستانی بود به نام «بُؤیره» که از اموال شخصی پیامبر (صلوات الله علیه و اله) محسوب می شد و ایشان، آن را وقف بر فقیران و بینوایان نموده بود. و نیز نقل شده است که پیامبر (صلوات الله علیه و اله) زمینی را وقف مخارج افراد در راه مانده (ابن السبیل) نمود. امیرالمؤمنین (علیهم السلام) نیز در محلی به نام «یَنْبُع»، صد چشمه حفر کرد و آنها را وقف حاجیان خانه خدا نمود و نیز مزرعه ای داشت که وقف نیازمندان و در راه ماندگان کرد. و نیز امام صادق (علیهم السلام) اموالی را برای برپایی مجالس عزاداری بعد از رحلت خودشان وقف کردند و نیز ائمه دیگر که زمین ها یا باغ هایی را برای فقرا و نیازمندان وقف می نمودند.



رهنمود

شما می دانید که حضرت رضا (علیه السلام) در آن ابتلایات که داشت و در آن مصیبت های معنوی که برایش وارد می شد، بدون اینکه یک اختلاف ایجاد کند، با آرامش، راه خودش را به پیش می برد. مقید بود به اینکه آرامش ملت را حفظ کند

امام خمینی(ره)

عطر یادها

امام رضا (علیه السلام) در روز ۱۱ ذی قعدة سال ۱۴۸ هجری در شهر مدینه پا به جهان گذاشت. شهادت آن حضرت در روز آخر صفر سال ۲۰۳ هجری اتفاق افتاده است.

هارون الرشید در سفری که برای سرکوبی شورش ایرانیان به خراسان داشت ، بیمار گشت و چندی بعد به درک واصل شد و در باغ حمید بن قحطبه مدفون شد. پس از شهادت جانکاه حضرت رضا(علیه السلام) به دستور مأمون و طبق پیشگویی خود امام، در همان باغ که در طوس و در یکی از روستاهای نوقان به نام سناآباد است به خاک سپرده شدند. برای مادرگرامیشان درروایت نام های متعددی ذکرشده است که بعد از به دنیاآمدن امام رضا(علیه السلام)نام اورا طاهره نامیدند. طبرسی در اعلامُ الوری گوید: مادرش کنیزی بود به نام نجمه که به وی ام البنین می گفتند. برخی نام مادر آن حضرت را نوبیه و تکتُم، نیز گفته اند.

امامت حضرت رضا (علیه السلام)

یکی از یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) می گوید: «ما شصت نفر بودیم که موسی بن جعفر به جمع ما وارد شد و دست فرزندش علی در دست او بود.» فرمود : «آیا می دانید من کیستم ؟» گفتم: «تو آقا و بزرگ ما هستی.» فرمود : « نام و لقب من را بگوئید.» گفتم : « شما موسی بن جعفر بن محمد هستید ». فرمود : « این که با من است کیست ؟» گفتم : « علی بن موسی بن جعفر». فرمود : « پس شهادت دهید او در زندگانی من وکیل من است

و بعد از مرگ من وصی من می باشد». در حدیث مشهوری نیزکه جابر از قول نبی اکرم نقل می کند امام رضا (علیه السلام) به عنوان هشتمین امام و وصی پیامبر معرفی شده اند. امام صادق (علیه السلام) نیز مکرر به امام کاظم می فرمودند که «عالم آل محمد از فرزندان تو است و او وصی بعد از تو می باشد».

گلبرگی از آفتاب

مردی از اهالی بلخ می گوید:« در سفر خراسان با امام رضا(علیه السلام) همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و امام همه خدمتگذاران حتی سپاهان را بر آن سفره نشاند تا همراه ایشان غذا بخورند. من به امام عرض کردم:« فدایت شوم بهتر است اینان بر سفره ای جداگانه بنشینند».امام فرمود:« ساکت باش. پروردگار همه یکی است. پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است».

فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاسی بود. لباس او در خانه درشت و خشن بود، اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می کرد ، خود را می آراست (لباسهای خوب و متعارف می پوشید).

احترام به میهمان

میهمانی بر امام رضا علیه السلام وارد شده و پاره ای از شب را با او به گفتگو نشست که چراغ دگرگون شد و می خواست خاموش شود. میهمان برای ترمیم و اصلاح آن دست خود را پیش آورد تا آن را به حالت نخست باز گرداند که امام رضا علیه السلام مانع شد و شخصا آن را ترمیم و اصلاح کرد، آن گاه فرمود:

ما خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم میهمانان خود را به کار نمی گیرم (بلکه مقدم آنها را گرمی داشته و از هیچ گونه ادب و نزاکتی نسبت به آنها دریغ نمی ورزیم.)

شفای نابینا

خادم های امام رضا (علیه السلام) که مثل همیشه در حال عوض کردن گل های بالای ضریح امام (علیه السلام) بودند . ناگهان گلدان از دست خادم رها شد و درطرفی که بانوان در حال زیارت بودن افتاد و روی سر دختری که در کناری نشسته بود افتاد. سر دختر کاملا شکافته شده بود و خون همه جارا فرا گرفته بود . دختر را به بیمارستان می برند. خادم هم که از ترس جرات حرکت نداشت در جای خود می لرزید تا اینکه تقریبا ۴ ساعت بعد از حادثه پدر دختر به حرم آمد و سراغ خادمی که گلدان از دستش افتاده بود را گرفت . ترس همه ی وجودخادم را فرا گرفته بود که پدر به خادم رسید و در کمال نا باوری ، خادم را بوسید و اشک در چشمانش پر شد. خادم گفت : من سر دختر شما را شکستم و شما من را می بوسید؟؟ پدر دختر گفت : طبق گفته پزشکان از کودکی لخته خونی در سر دخترم بود که مانع بینایی او شده بود و به مشهدآمده بود تا شفا بگیرد ، پس از برخورد آن گلدان به سرش به لطف امام رضا این لخته از بین رفت و بینایش را به دست آورد. ، آنگاه پدر بلند صدا زد : یا امام رضا قربونت برم.

پرسشهای زمینی پاسخ های آسمانی چرا رضا؟

در میان نام ها و القاب حضرت علی بن موسی علیه السلام، لقب «رضا» از همه مشهورتر است.

«رضا» یعنی خشنود و خرسند، اما چرا حضرت را بدین نام خوانده اند؟

گویا این پرسش در زمان حیات حضرت و چندی پس از آن نیز مطرح بوده است، که کسی از امام جواد (علیه السلام) علت این نامگذاری پدر را جويا شد.

در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام) اثر شیخ صدوق با استناد به «بزنطی» آمده است که به امام

جواد(علیه السلام) گفتم:

گروهی از مخالفان شما بر این پندارند که مأمون، پدر شما را «رضا» نامیده ؛ زیرا آن حضرت به ولایت عهدی وی رضایت داده است.

امام فرمود: دروغ گفتند و به گناه افتادند؛ چنین نیست، بلکه خداوند تبارک و تعالی او را «رضا» نام داده است؛ زیرا او در آسمان خدا از او راضی بود و در زمین خدا از پیامبر و امامان پس از او (صلوات الله علیهم) رضایت داشت.

به امام گفتم:

آیا مگر همه ی نیاکان گذشته ی شما (علیهم السلام) چنین نبودند که از خدای عزوجل و پیامبرش و امامان پس از او راضی باشند؟

فرمود: چرا.

گفتم: پس چرا در این میان، تنها پدر شما را رضا نامیدند؟

فرمود: چون همان گونه که همسویان و دوستانش از او خرسند بودند، دشمنان و مخالفانش هم از وی رضایت داشتند؛ و این وضعیت برای هیچ یک از نیاکان ایشان رخ نداده بود؛ از همین رو تنها او را «رضا» نامیده اند.

مناظرات امام رضا

صفوان بن یحیی میگوید که ابوقره چائلیق مسیحی به من گفت مرا نزد علی بن موسی ببر و از او و برای من اجازه ملاقات بگیر من از حضرت اجازه گرفتم پس با او بر امام وارد شدیم، ابوقره به هنگام ورود خم شد و فرش خانه امام را بوسید و عرض کرد در آیین مسیحیت چنین رسم است که اگر به خانه بزرگی وارد شویم با دست بر زمین میزنند و دست خود را به جهت تبرک می بوسند . پس عرض کرد ای علی بن موسی چه میفرمایید

درباره گروهی که دینی را ادعا میکنند و سایر

فرقه ها چه مخالف و چه موافق بر صحت آن دین شهادت بدهند ؟

فرمود: ادعای آنها صحیح است

جائلیق گفت : نظرتان درباره ی گروهی که